

بررسی و تبیین مسئله ربا در حقوق اسلامی

لیلا تقی زاده^۱، نوشین نرمایون^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، وکیل پایه یک دادگستری ارومیه

^۲ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، وکیل پایه یک دادگستری ارومیه

نویسنده مسئول:

نوشین نرمایون

چکیده

هدف این مقاله بررسی و تبیین مسئله ربا در حقوق اسلامی و فلسفه حرمت آن به همراه بررسی جایگاه و نحوه برخورد با این پدیده مهلک اجتماعی در حقوق موضوعه ایران می باشد. به همین منظور ضمن تعریف و معرفی انواع ربا، به بررسی جنبه های مختلف لغوی و اصطلاحی ربا پرداخته شده است. همچنین موضوع ربا از دیدگاه اسلام و قرآن، سنت رسول اکرم (ص)، اجماع نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه نیز جایگاه ربا در حقوق موضوعه ایران، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ارکان ربا و همچنین قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون مجازات اسلامی و کیفر نیز بررسی شده است. البته روند بحث از مطالب تا حدی که در وسیع مقاله است محل بحث قرار گرفته حال آنکه اطلاعیه بحث خود محتاج کتابی مفصل است.

کلمات کلیدی: ربا، اسلام، قوانین موضوعه، حرمت، قرآن، سنت، اجماع فقها.

مقدمه

در میان مباحث اقتصاد اسلامی، ربا از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا از یک طرف یکی از عمده ترین وجوه فارق بین اقتصاد اسلامی و سرمایه داری است و از طرفی دیگر وجود و عدم آن می تواند نقش تعیین کننده ای در سیاستهای اقتصادی داشته باشد تا جایی که اکثریت اقتصاددانان سرمایه داری از آن به عنوان عامل تخصیص دهنده منابع و تعادل اقتصادی نام می برند. ربا اعم از آنکه داده یا گرفته شود بعلاوه بر حرمت شرعی دارای آثار سوئی بر روابط اقتصادی و تجاری است و باعث ایجاد اخلال در روابط مالی افراد یک جامعه سالم می گردد، بدین ترتیب ضروری است جهت سالم سازی فضای اقتصادی جامعه اخذ یا پرداخت هر گونه ربا یا انجام معاملات ربوی ممنوع باشد. بر مبنای همین رویکرد، مقنن در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی در مقام جرم انگاری ربا و معاملات ربوی برآمده و مقرر داشته: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می شود. مرتکبین اعم از ربادهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردند.

تبصره ۱- در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲- هرگاه ثابت شود ربادهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد.
تبصره ۳- هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

بدین ترتیب ملاحظه می گردد که ربا حسب قوانین کیفری ایران علاوه بر ممنوعیت شرعی دارای وصف جزای نیز می باشد که ذیلاً به بررسی آن پرداخته می شود.

مفهوم ربا: «ربا» یک کلمه عربی است که در زبان فارسی هم رایج است و در هر دو زبان به یک معنا و مفهوم استعمال می شود و معنای اصطلاحی آن از دیدگاه های علوم مختلف با تعبیر گوناگونی بکار برده می شود.
برای درک مفهوم ربا ابتدا معنای لغوی و سپس تعریف اصطلاحی (فقهی، قانونی، حقوقی) را مورد بررسی قرار می دهیم (ساکي، ۱۳۹۲).

تعریف ربا

تعریف لغوی ربا: ریشه لغت ربا در زبان عربی از «ربا یربوروا» گرفته شده و معنی آن در اغلب کتب عربی به معنی «زیادت و نمو» معنی شده است.

أَرَبَى إِرْبَاءً : یعنی بیش از آنچه داد گرفته و أَرَبَى الشَّيْءَ : یعنی آن چیز را افزون کرد. مرحوم علی اکبر دهخدا در کتاب لغت نامه دهخدا (دهخدا، ۱۳۶۸) در این مورد می گوید:

رَبًا: به ضم را مخفف رباینده در ترکیباتی نظیر آهن ربا، دلربا و ...

ربا: به کسر را به معنی افزون شدن به نشو و نما

رباء: به کسر را و همزه آخر به معنی نشو و نما کردن و افزون شدن مال از راه ربا

ربا خوار: سودخوار، پاره خور، فزونی خوار، خورنده، سود مباحه و پول.

تعریف فقهی ربا: در متون قدیمی فقهی اسلامی ربا، "ارزش باقیمانده بدون قرینه" تعریف شده است. وقتی برای اولین بار پول فلزی در جهان اسلام رواج یافت، پرداخت بدهی با میزان بیشتری از این پول بدون پشتوانه، ربا محسوب نمی شد. این نظر فقها بیشتر ناظر به ارزش واقعی پول (که با وزنش مشخص می شد) بود، تا ارزش نامی آن. مثلاً یک وام ۱۰۰۰ دینار طلا با ۱۰۵۰ دینار با همان وزن پرداخت می شد. (وزن سکه ها یکسان نبود، بنابر این ارزش واقعی یکسانی داشتند.)

مستندات ربا: در شریعت اسلام می توان دلایلی را بر حرمت و ممنوعیت عمل ربا برشمرد. در واقع باید گفت که ادله چهارگانه فقه اسلامی بر حرمت ربا تاکید کرده اند. اصلی ترین این دلایل قرآن است چنانکه خداوند متعال در سوره بقره به صراحت مبادرت به ربا را به منزله ی اعلان جنگ با خدا و رسول (ص) اعلام کرده است. پس از قرآن، روایات متعددی را نیز می توان یافت که بر حرمت این عمل تاکید داشته اند. عقل نیز که به عنوان دلیل دیگر شرعی قطعاً ربا را ناپسند و غیرمنطقی می داند، میزانی خواهد بود که براساس آن نیز ربا امری حرام محسوب می شود زیرا مبادرت بدان سبب بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری شده و بی عدالتی های

فراوانی را هم به دنبال خواهد داشت. فقیهان برای حرمت ربا به آیات قرآن و روایات فراوانی تمسک می جویند. در قرآن کریم، سه آیه بر حرمت ربا دلالت دارد که به این شرح اند:

الف. آیات

۱- فَبِظَلَمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا * وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أُمُورٌ لَّ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^۱. پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آن که (مردم را) بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود، حرام گردانیدیم، و (به سبب) ربا گرفتنشان - با آن که از آن نهی شده بودند - و به ناروا مال مردم خوردنشان، و ما برای کافران آنان، عذابی دردناک آماده کرده ایم.

۲- يٰۤأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۲. ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را (با سود) چندین برابر مخورید، و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.

۳- الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْتَبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُو مَاسَلَفٌ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ * يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ * إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يٰۤأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِخَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ^۳. کسانی که ربا می خورند، (از گور) بر نمی خیزند، مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این، بدان سبب است که آنان گفتند: «دادوستد، صرفاً مانند رباست»، حال آن که خدا، دادوستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست و کارش به خدا واگذار می شود، و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان، اهل آتش اند و در آن، ماندگار خواهند بود.

خدا از (برکت) ربا می کاهد و بر صدقات می افزاید، و خداوند، هیچ ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز برپا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان، نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید، و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، واگذارید و اگر چنین (نکردید)، به جنگ با خدا و فرستاده وی برخاسته اید، و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است، نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.

ب. روایات

روایات فراوانی بر حرمت ربا دلالت دارند که به برخی از آنها اشاره می گردد:

۱- در وسائل الشیعه آمده است:

بلغ أبا عبدالله (عليه السلام) عن رجل أنه كان يأكل الربا ويسميه اللباء، فقال: لئن أمكنني الله منه لأضربن عنقه^۴. به امام صادق (عليه السلام) خبر رسید که مردی رباخواری می کند و آن را «آغوز» می نامد. فرمود: «اگر خداوند، او را در اختیارم بگذارد، گردنش را خواهم زد».

۲- پیامبر (صلی الله علیه وآله) در سفارشی به علی (عليه السلام) می فرماید:

يا علي! الرباء سبعون جزء فأيسرها مثل أن ينكح الرجل أمه في بيت الله الحرام^۵. ای علی! ربا، هفتاد کیفر دارد که آسان ترین آن، مانند آن است که مرد با مادرش در خانه خدا زنا کند.

۳- امام صادق (عليه السلام) فرموده است:

الربا سبعون باباً أهونها عند الله كالذي ينكح أمه^۶. ربا، هفتاد کیفر دارد و آسان ترین آن نزد خداوند، مانند کسی است که با مادرش زنا کند.

^۱ - نساء، آیه ۱۶۰ - ۱۶۱.

^۲ - آل عمران، آیه ۱۳۰.

^۳ - بقره، آیه ۲۷۵ - ۲۷۹.

^۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۵ (ح ۱).

^۵ - وسائل الشیعه، ص ۱۲۱ - ۱۲۲ (ح ۱۲).

^۶ - وسائل الشیعه، ص ۱۲۳ (ح ۱۸).

۴- امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

درهمواحد من رباً أعظم من عشرين زنيّة كلّها بذات محرم^۷. یک درهم ربا، بدتر است از بیست مرتبه زنا با محارم.

۵- امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

درهم ربا أشدّ عند الله من ثلاثين زنيّة كلّها بذات محرم مثل عمّة و خالّة^۸. یک درهم ربا، نزد خداوند، بدتر از سی مرتبه زنا با محارم، مانند عمّه و خاله است.

۶- امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

درهم ربا عند الله أشد من سبعين زنيّة كلّها بذات محرم^۹. یک درهم ربا، نزد خداوند، از هفتاد مرتبه زنا با محرم بدتر است.

۷- امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

درهم ربا أعظم عند الله من سبعين زنيّة كلّها بذات محرم فی بیت الله الحرام^{۱۰}. یک درهم ربا، از هفتاد مرتبه زنا با محارم در خانه خدا بدتر است.

۸- پیامبر خدا فرمود:

شرّ المكاسب، كسب الربا^{۱۱}. بدترین دادوستدها، دادوستد آمیخته به رباست.

۹- امام باقر (علیه السلام) فرمود:

أخبث المكاسب، كسب الربا^{۱۲}. زشت ترین دادوستدها، دادوستد آمیخته به رباست.

۱۰- پیامبر خدا فرمود:

وَمَنْ أَكَلَ الرِّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدَرِ مَا أَكَلَ، وَإِنْ اِكْتَسَبَ (منه) مَا لَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئاً مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَالْمَلَأَتْهُ مَا كَانَ عَنْهُ قِيرَاطٌ^{۱۳}. هر کس ربا بخورد، خداوند، شکمش را از آتش جهنّم به اندازه رباخواری پُر می سازد، و اگر از راه ربا درآمدی به دست آورد، خداوند، عملش را نمی پذیرد و تا زمانی که اندکی از مال ربا نزد او باشد، همواره در نفرین خدا و فرشتگان الهی خواهد بود.

۱۱- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إذا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكاً ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا^{۱۴}. هرگاه خداوند، نابودی گروهی را اراده کند، رباخواری در میان آنان آشکار می شود.

ج. ربا از دیدگاه اجماع

از جمله منابع احکام، اجماع است. اغلب فقها اجماع را از جمله ادله حرمت ربا شمرده اند. شیخ محمد طوسی می گوید که علما اجماع دارند بر اینکه ربا از گناهان کبیره است. (موسایی، ۱۳۷۶).

شهید ثانی در کتاب دروس، علاوه بر نص، دلیل حرمت ربا را اجماع می داند. در تحریر الوسیله امام خمینی (س) آمده است: «حرمت ربا به کتاب و سنت و اجماع مسلمین ثابت شده است. بلکه بعید نیست از ضروریات دین باشد».

صاحب جواهر الکلام و محقق اردبیلی، اجماع را از دلایل حرمت ربا در اسلام می دانند.

در تفسیر القرطبی آمده که حرمت ربا اجماعی است: «هذا كله محرم باتفاق الامّة» (محمد بن احمد الانصاری القرطبی) در نتیجه، از نظر ادیان آسمانی و اسلام، گرفتن و دادن ربا حرام است؛ اسلام، رباخوار را مهدورالدم و مفسد فی الارض دانسته و رباخواری را از بزرگترین گناهان یعنی همتای شرک و دشمنی با خدا شمرده است؛ بنابراین، به هر نحوی باید مقابل آن گرفته شود.

^۷ - وسائل الشیعة، ص ۱۱۹ (ح ۶).

^۸ - کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۴.

^۹ - وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۳ (ح ۱۹).

^{۱۰} - وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۲ (ح ۱۳).

^{۱۱} - وسائل الشیعة، ص ۱۱۸ (ح ۲).

^{۱۲} - وسائل الشیعة، ص ۱۲۲ (ح ۱۵).

^{۱۳} - وسائل الشیعة، ص ۱۲۳ (ح ۱۷).

انواع ربا در فقه اسلامی

ربای معاملی: در سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نوع خاصی از ربا تحریم شده است که ربای معاملی نام دارد. این نوع ربا در گذشته که مبادلات پایاپای رواج داشت، بیش تر تحقیق داشت. لذا بخش مهمی از مباحث ربا در کتاب های فقهی، به ربای معاملی اختصاص دارد. به تدریج، بر نقش پول در معاملات افزوده گشت و از حجم مبادلات پایاپای کاسته شد، لیکن این نوع مبادلات افزوده گشت و از حجم مبادلات پایاپای کاسته شد، لیکن این نوع مبادلات هنوز در بعضی روستاها و نیز بین کشورهای وجود دارد. برای همین، آشنایی با محدود و ملاک ربا معاملی خالی از فایده نیست. گذشته از این، آگاهی از مباحث ربای معاملی می تواند ما را در فهم هرچه بیشتر مسائل ربای قرضی یاری نماید.

تعریف ربای معاملی: هرگونه زیادی در معامله دو شیء همجنس و یا معامله ای که مشتمل بر زیادی یکی از عوضین باشد، با فرض تحقق شرایط خاص، ربای معاملی نامیده می شود (یزدی، ۱۴۱۷).

این تعریف از جهتی از تعاریف دیگر کامل تر است؛ زیرا چه بگوییم: ربا حرام، مطلق زیادی است، یا این که بگوییم: ربای حرام معامله مشتمل بر زیادی است، هر دو را در بر می گیرد. بعضی ربای حرام را تنها معامله مشتمل بر زیادی می دانند (نجفی، ۱۳۷۴). به طور خلاصه، ربای معاملی ربایی است که در ضمن یک معامله تحقیق می یابد، برخلاف ربای قرضی در ضمن عقد قرض به وجود می آید.

ربای قرضی: ربای قرضی، چه در زمان های گذشته و چه در عصر حاضر، رایج ترین نوع ربایی است که در جوامع مختلف وجود داشته است؛ به این صورت که فرد برای تأمین نیاز مالی، جهت امور مصروفی یا سرمایه گذاری و تقاضای قرض می کند و در ضمن عقد قرض، متعهد می شود آنچه را می گیرد همراه با زیادی برگرداند. در حقیقت، ربای قرضی در نوع خاصی از عقد قرض تحقق می یابد که در آن، شرط زیادی شده است (حلی، ۱۳۶۷).

ارکان تشکیل دهنده جرم ربا

اما اکثر حقوقدانان برای آنکه رفتار انسان جرم تلقی شود وجود سه عنصر را لازم دانسته اند. در واقع در کنار عناصر تشکیل دهنده ای خاص هر یک از جرایم که بر حسب نوع جرایم تغییر میکنند (عناصر اختصاصی) به طور کلی، هر جرمی برای واقع شدن، نیازمند به سه رکن اساسی مشترک می باشد (عناصر عمومی) که اختصاص به هریک از آنها ندارند و در بین همه جرائم مشترک می باشد. بنابراین برای آن که عملی که از سوی شخصی انجام میشود به عنوان جرم قابل مجازات باشد جمع آمدن عناصری چند ضرورت دارد. بنابراین، به لحاظ حقوقی، برای آنکه فعلی انسانی جرم به شمار آید باید: نخست، قانونگذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)، دوم، عمل یا ترک عمل مشخص به منته ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)، سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی) (اردبیلی، ۱۳۸۲).

در سیستم جزائی ایران نیز هر جرم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل یافته است و برای تحقق جرم باید این سه عنصر در کنار هم جمع شوند در غیر این صورت جرمی محقق نشده است. جرم ربا نیز مانند هر جرم دیگر دارای سه رکن قانونی و مادی و معنوی «روانی» می باشد که در این قسمت به بیان آنها که ارکان تشکیل دهنده جرم ربا می باشند در سه قسمت می پردازیم.

الف (رکن قانونی جرم ربا

اولین رکن از ارکان تشکیل دهنده جرم ربا رکن قانونی است. فعل یا ترک فعل انسانی هر اندازه زشت و نکوهیده و برای نظام اجتماعی زیانبخش باشد تا زمانی که حکمی بر آن وارد نشده و یا در قانون پیشبینی نشده باشد قابل مجازات نیست. به بیان دیگر مادام که قانونگذار فعل یا ترک فعلی را جرم نشناسد و کیفری برای آن تعیین نکند افعال انسان مباح است. بنابراین، تحقق جرم و صدور حکم مجازات منوط به نص صریح قانون است و چون بدون وجود قانون جرم محقق نمیشود گزارف نیست که گفته شود قانون رکن لازم جرم است.^{۲۳} در نتیجه باید بیان داشت که عنصر قانونی جرم با تدوین قانون از ناحیه قانونگذار زاییده میشود و ریشه عنصر قانونی در اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتهاست (نوربها، ۱۳۸۷).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۹ به صراحت درمورد ربا مقرر می دارد: «دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سود استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجراء شود».

در ماده ۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۶/۲۵ ربا این گونه بیان شده:

ربا بر دو نوع است:

الف - ربای قرضی و آن بهره‌ای است که طبق شرط یا بنا و روال مقرض از مقرض دریافت نماید.
ب - ربای معاملی و آن "زیاده"ای است که یکی از طرفین معامله زائد بر عوض یا معوض از طرف دیگر دریافت کند به شرطی که عوضین مکمل یا موزون و عرفاً یا شرعاً از جنس واحد باشد (ساکي، ۱۳۹۰).

ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی ربا را جرم و برای آن مجازات در نظر گرفته است: مرتکبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

این ماده مقرر می‌دارد: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکمل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

منظور از «جزای نقدی معادل مال مورد ربا» در ماده ۵۹۵ ق.م.ا معادل میزان اضافی دریافتی است نه معادل کلی مالی که در معامله ربوی رد و بدل شده است، زیرا آنچه که بر آن «ربا» اطلاق می‌گردد زیادتی است که یکی از طرفین معامله ربوی به دیگری پرداخت می‌کند نه کل مالی که در معامله ربوی میان طرفین رد و بدل می‌شود (ساکي، ۱۳۹۰).

جرم ربا با توجه به ماده ۷۲۷ از جرایم غیر قابل گذشت می‌باشد و برای پیگیری آن نیازی به شکایت شاکی نیست و به محض اطلاع مراجع قضایی و انتظامی قابل پیگیری و تعقیب می‌باشد.

ب) رکن مادی

برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند، پیدایش یک عنصر مادی ضرورت دارد، زیرا که ابزار فکر برای ارتکاب جرم کافی نیست و اگر سیاست جنایی کشور به صرف قصد ارتکاب جرم، اشخاص را مجرم بداند موجب این خواهد شد که در اعماق وجدان اشخاص تجسّسات غیرقابل اغماض به عمل آید و غالباً اشخاص بدون آنکه برای جامعه خطرناک باشند، مجازات شوند (علی آبادی، ۱۳۷۳). به عبارت دیگر، مجرم باید مبادرت به انجام فعل یا ترک فعلی کند که ملموس، محسوس و عینی بوده و در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد و برای آن مجازات تعیین شده باشد. پس کافی نیست که رفتار مجرمانه تنها توسط قانون نهی شود، بلکه وجود یک تظاهر خارجی عملی ناشی از قصد مجرمانه یا خطای جزایی توسط فاعل که جرم به وسیله آن آشکار میشود برای تحقق فعل مجرمانه و مجازات فاعل، شریک یا معاون لازم است.

اندیشه مجرمانه به تنهایی جرم نیست و هرکس میتواند صاحب عقیده خاص خود باشد و هنگامی این اندیشه و عقیده با شرایط مقرر در قانون و با فرض سوءنیت یا خطا قابل مجازات خواهد بود که هیبتی خارجی و مادی پیدا کند. در نتیجه هر جرمی الزاماً دارای یک عنصر مادی است. از این الزام میتوان نتیجه گرفت که تحقق جرم موکول به بروز عوارض بیرونی اراده ارتکاب جرم است. تا وقتی مظهر خارجی اراده به صورتهایی مانند فعل یا ترک فعل تحقق نیافته، جرم واقع نمیشود. بنابراین صرف داشتن عقیده، اندیشه و قصد ارتکاب جرم بدون انجام هیچگونه عمل مادی قابل تعقیب و مجازات نمیباشد (گلدوزیان، ۱۳۸۰).

ج) رکن معنوی

موضوع رکن معنوی در حقوق جزا از جمله مسائلی است که در کتب حقوقی غالب جوامع امروزی مورد بررسی قرار گرفته است و از دیرباز نیز مورد توجه مکاتب حقوقی بوده است. در این زمینه مکتب نئوکلاسیک که اساس مجازات را بر مختاریت و آزادی انسان استوار میکند و مکتب تحقق که جرم را از لحاظ خطرناکی فاعل آن قابل تعقیب میداند عنصر معنوی را یکی از عناصر ضروری جرم دانسته‌اند که بدون آن جرم تحقق پیدا نمیکند (علی آبادی، ۱۳۷۳).

به اعتقاد اکثر حقوقدانان وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم شناخته است به تنهایی برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد و یا در اجرای عمل به نحوی از انحاء و بدون آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی (در صورت وجود این مسئولیت) شناخت. قصد را معمولاً به اراده متمایل به یک هدف مشخص تعریف می‌کنند، به عبارت دیگر، اراده هدایت شده به سوی هدف معینی را قصد می‌گویند (نوبهار، ۱۳۸۷). بنابراین برای تحقق جرم لازم است میان عملی که قانوناً قابل مجازات است و شخص عامل، رابطه روانی و نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر دانست. با توجه به مطالب مذکور رکن معنوی جرم ربا را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- سوء نیت عام یا همان قصد فعل می باشد که مرتکب قصد، ربا دادن را دارد.
۲- سوء نیت خاص یا عمد در فعل که مرتکب با علم و آگاهی از ربا بودن و علم به حرمت ربا و جرم بودن آن قصد استیفاء نامشروع نسبت به ربا دهنده را دارد.
بدین ترتیب این جرم به مانند سایر جرائم دارای سوء نیت عام و خاص است. سوء نیت عام در جرم ربا همان قصد حصول توافق جهت انجام معامله و قرارداد بین شخص ربا دهنده و ربا گیرنده است و سوء نیت خاص تحصیل منفعت با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون و یا دریافت کردن مبلغی زائد بر مبلغ پرداختی در قرض و وام و غیره است. در واقع بین عمل واقع شده می بایست رابطه علیت موجود باشد که همانا تحصیل مال یا نفعی است که مورد توافق قرار گرفته است (شامبیانی، ۱۳۸۷).
موارد استثنایی که ربا صدق می کند ولی حرام نیست:

- ۱- ربای بین زن و شوهر
- ۲- ربای بین پدر و فرزند
- ۳- ربای بین مسلمان و کافر نکته قابل بحث این است که مقنن کلمه «کافر» را بدون تاکید بر این که «کافر حربی» باشد در تبصره ماده ۵۹۵ به کار برده و چنین برداشت می شود که اصولاً بهره گرفتن اضافی برای مسلمان جایز است ولی بین مسلمان و کافر ذمی ربا است.

علل موجهه جرم

با عنایت به مفاد تبصره ۲ و ۳ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی که بیانگر اعمال علل موجهه جرم در بزه ربا می باشد، می توان این علل را عبارت از : ۱- اجازه یا حکم قانون و ۲- اضطرار دانست.
اجازه یا حکم قانون:

به موجب تبصره ۳ ماده مورد بحث، ربا (اعم از قرضی یا معامله) چنانچه بین پدر و فرزند یا زن و شوهر یا کافر و مسلمان منعقد شده باشد از شمول مقررات این ماده خارج است؛ که بدین واسطه با عنایت به عدم شمول سایر قوانین جزایی بر ارتکاب چنین عمل، باید عنوان داشت که مقنن با تبصره مذکور اجازه انجام معاملات ربوی را به اشخاص مذکور در تبصره ۳ این ماده داده است و به حکم قانون که یکی از علل موجهه جرم محسو می گردد، عمل ارتكابی فاقد وصف مجرمانه تلقی می گردد. (مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۱).
اضطرار:

اگر چه مقنن در تبصره ۲ ماده مرقوم تنها ربا دهنده را در مقام اضطرار معاف از تعقیب و مجازات شناخته، لیکن باید توجه داشت که چنانچه شرایط متشکله اضطرار در ربا گیرنده نیز جمع باشد می توان با توجه به مقررات ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی عمل ربا گیرنده را نیز فاقد وصف جزایی دانست.

شرایط تحقق اضطرار در جرم ربا:

در بزه ربا اضطرار در صورتی محقق خواهد شد که:

اولاً: خطر شدیدی موجود باشد، یعنی جان یا سلامتی ربا دهنده یا یکی از افراد تحت تکلفش یا اموال و دارایی شان در معرض خطر و نابودی قرار گرفته باشد.

ثانیاً: ربا دهنده عمداً مبادرت به ایجاد چنین وضعیتی نکرده باشد.

ثالثاً: توسل به عملیات ربوی تنها راه حل ممکن باشد.

رابعاً: ربا دهنده به مقدار ضرورت اکتفاء کند یعنی به میزانی که بتواند از مهلکه و وضعیت غیر قابل تحمل نجات^{۳۴}.

کیفر رباخوار

کیفر دنیایی رباخوار: مجازات هایی برای رباخوار و جامعه ربا زده بر شمرده اند. بعضی از این گونه عذاب ها به طور مستقیم از سوی خداوند و به صورت بلاهای طبیعی است. برخی دیگر نیز از سوی جامعه اسلامی و حاکم مسلمانان برای رباخوار در نظر گرفته شده است و حاکم اسلامی وظیفه دارد که آن ها را اجرا کند.

۱- فاسق بودن رباخوار

مشهور میان فقیهان این است که اگر رباخوار توبه نکند و به رباخواری ادامه دهد، فاسق استولی برخی معتقدند باید با او همانند مرتد رفتار شود؛ یعنی اگر مرتد فطری بوده باشد، حکومت اسلامی وی را به قتل می‌رساند و اگر مرتد ملی باشد، وی را توبه می‌دهند و اگر نپذیرفت، او را به قتل می‌رسانند برخی نیز معتقدند تا سه بار او را توبه می‌دهند و در مرتبه سوم او را به قتل می‌رسانند^{۱۴}، حلی، ۱۴۰۶.

۲- اثبات کفر برای رباخوار

برخی از عالمان اسلامی معتقدند که کسی که از روی علم و به عمد رباخواری می‌کند، کافر است. فخر رازی می‌نویسد: دلیل قاطعی برای اثبات این مدعا هست که خلود در جهنم ویژه کافران است و آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره، اثبات می‌کند که رباخوار نیز جزو اصحاب النار است و همواره در جهنم می‌ماند^{۱۵}.

قرطبی مفسر بزرگ اهل سنت در توضیح آیه ۱۳۰ آل عمران تأکید می‌کند که رباخواری سبب از میان رفتن ایمان است و سلب ایمان به کفر می‌انجامد. وی هم‌چنین ربا را از میان برنده کردار صالح می‌داند^{۱۶}.

۳- در آتش سوختن رباخوار و سوزاندن سرمایه او

کیفر عمومی رباخوار در دنیا

نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

هرگاه خداوند اراده کند که جامعه‌ای را هلاک کند، ربا را در میان آنان ظاهر می‌سازد و آنان را به رباخواری دچار می‌کند^{۱۷}.

وقوع زلزله و خورشید گرفتگی: پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

هنگامی که امت من رباخوار شوند، زلزله، آفتاب گرفتگی و... پیش می‌آید

کیفر رباخوار در آخرت

پیامبر صلی الله علیه وآله می‌فرماید:

در شب معراج گروهی را دیدم که جثه آنان به گونه‌ای ورم کرده بود که قدرت حرکت نداشتند. از جبریل راز آن را پرسیدم. پاسخ داد:

اینان رباخوارانند و با آل فرعون محشور هستند و صبح و شام آتش بر آنان زبانه می‌کشد (هیثمی، ۱۴۰۱۴)

هیثمی در کتابش مجمع الزوائد از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می‌کند در شب معراج در آسمان هفتم گروهی را دیدم که شکم

آنان بسان خانه مارها بود و مارها از بیرون دیده می‌شدند. از جبریل پرسیدم اینان چه کسانی هستند. پاسخ داد اینان رباخوارانند^{۱۸}

ب - مجازات در قیامت

۱- رباخوار از اصحاب آتش است.

وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{۱۹}.

و کسانی که از این کار (رباخواری) دست نکشند آنان اهل جهنم‌اند و در آن تا ابد معذب خواهند بود.

۲- ربا نابود کننده عمل انسان است.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

کسی که ربا بخورد، خدا شکم او را پر از آتش می‌کند و اگر از مال ربوی خیرات کند یا کارهای نیک انجام دهد، در درگاه الهی پذیرفته

نمی‌شود و تا قیامتی از مال به دست آمده از راه ربا نزد او باشد، مورد لعنت خدا و ملائکه است^{۲۰}.

ابن عباس درباره آیه "يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ" می‌گفت: خداوند از رباخوار هیچ صدقه، جهاد، حج و صله رحمی را

نمی‌پذیرد^{۲۱}.

^{۱۴} - تفسیر کبیر، ج ۷، ص ۹۵ به بعد، ذیل آیه ۲۷۵ بقره.

^{۱۵} - قرطبی، الجامع فی احکام القرآن، ج ۴، صص ۱۳۰ و ۱۳۱.

^{۱۶} - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۳، باب ۱ از ابواب ربا، ح ۱۷.

^{۱۷} - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۲، ح ۱۵، باب اول از ابواب ربا.

^{۱۸} - بقره آیه ۲۷۸.

^{۱۹} - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۲، ح ۱۵، باب اول از ابواب ربا.

^{۲۰} - تفسیر کبیر، ج ۷، ص ۱۰۲.

راهکارهای پیشگیری از ربا

۱- پخته شدن فتاوی فقہی:

تحلیل معاملات جدید اقتصادی، کوششی است که از عالمان انتظار می رود. لازم است عالمان دینی و متخصصان علوم انسانی برای روشن شدن ماهیت معاملات مشروط، خرید و فروش اسکناس، خسارت تاخیر تادیه، اوراق قرضه، بیمه های جدید عمر و پس انداز، سپرده گذاری ها، معاملات بورس نفتی و ... تلاش کنند.

۲- آسان سازی واژگان:

گاهی نه تنها مشتری بلکه کارگزاران بانک نیز از تحلیل حقوقی واژگان عاجزند. برای مثال در برخی از فرم های سپرده گذاری آمده است: «بانک ... به وکالت از طرف سپرده گذار با داشتن حق توکیل، وجه این سپرده را طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا به طور مشاع به کار گرفته و منافع حاصله را پس از کسر حق الوکاله طبق آیین نامه و مقررات مربوطه با داشتن حق صالحه منافع، بین بانک و سپرده گذاران به تناسب مبلغ و مدت به کار گرفته شده تادیه خواهد نمود.»

روشن است که فهمیدن همین یک بند، علاوه بر آشنایی با واژه های حقوقی «حق توکیل»، «حق الوکاله»، «حق مصالحه» نیاز به آشنایی با قانون عملیات بانک داری بدون ربا و آیین نامه ها و مقررات مربوطه دارد. در نتیجه اغلب سپرده گذاران بدون توجه به متن قرارداد، آن را امضا می کنند و وجوه خود را در اختیار بانک قرار می دهند. در حالی که علم مشتری به مفاد قرارداد لازم است تا بتواند آن را قصد کند.

۳- طراحی شاخص های کاربردی با کمک بانک مرکزی:

تبیین روشن تری از شروط تسهیلات: می دانیم سپرده گذاری به شرط اضافی ربای حرام است. مگر آن که منافع شرط برای عموم مردم باشد (نه منافع وام دهنده). برخی از شروط مثل: وام به شرط افتتاح حساب متقاضی و ضامن، اعطای تسهیلات به شرط سرمایه گذاری در مناطق محروم، اعطای وام به شرط سپرده گذاری، به شرط مبلغ مسدودی و غیره است. هدف موسسات مالی حداکثر کردن سود است و با استفاده از تبصره مذکور، شرط های زیادی وضع می کنند. لازم است اندیشمندان، شاخص هایی را طراحی کنند و با آن معیارها بتوانیم اظهار نظر دقیقی درباره شرط ها انجام دهیم و مشخص شود؛ شرط وضع شده منافع عموم مردم را در پی دارد یا منافع وام دهنده را تأمین می کند؟ در حال حاضر استدلال ها توصیفی است و مورد اختلاف سلیقه ها واقع می گردد. پس از طراحی شاخص ها می توان هر سال مسابقه هایی برای کاهش ضریب ربوی معاملات و قرض ها ترتیب داد.

۴- فرهنگ سازی با مشارکت هنرمندان:

برای فرهنگ سازی؛ دانش اولیه، هماهنگی های لازم و بستر سازی قبل از اجرا و سپس اجرای راهکارهای فرهنگی و در نهایت ارزیابی ثمربخشی و جمع بندی راهکارها و آرایه نتایج تحلیلی برای مجموعه های مرتبط مهم است.

در این فرایند، توجه به اولویت های فرهنگ سازی مثل: جایگاه اعتقادات در آزمایش های زندگی، خطرات معاملات سوری و مصرف وام در غیر موردش، آگاهی و شفافیت قراردادها، تشریح سبک زندگی با میانه روی، رسیدگی به محرومان و بیان آخرین داده های بانک داری بدون ربا و تاثیر ربا در اشتغال، درآمد، تورم و بیکاری مهم است.

۵- توجه خواص و فرهیختگان به دوری از ربا:

در بعضی جوامع، فرهیختگان عملاً به تبعیت از صاحبان رباخوار جامعه روی می آورند و الگوی جامعه همان صاحبان سرمایه می شوند. مردم نیز به تبعیت از خواص، حساسیت خود را در موازین شرعی از دست می دهند و فاصله شدید طبقاتی به موضوع دامن می زند. لازم است از حوادث تاریخی درس بگیریم. قرآن کریم می فرماید: «آیا مردم به سیاحت و بررسی نمی پردازند تا ملاحظه کنند که اقوام و ملت هایی پیش از آن ها وجود داشته اند ولی به واسطه رفتار ظالمانه نابود شدند. خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آن ها به خودشان ستم می کردند»^{۲۱}.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب بیان شده می توان گفت که ربا اعم علاوه بر حرمت شرعی که دارد دارای نتایج ناگواری برای روابط اقتصادی جامعه اسلامی است و باعث ایجاد اخلال در روابط مالی افراد یک جامعه سالم می گردد، بدین جهت ضروری است تا قانونگذار با این جرم مقابله نموده و از وقوع ، رواج و تکرار آن جلوگیری نماید. بر مبنای همین رویکرد، مقنن در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی ربا را جرم دانسته و برای آن مجازات در نظر گرفته است و بیان داشته: مرتکبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردند.

منابع و مراجع

- ۱- ساکی، محمدرضا. حقوق کیفری اقتصادی، چاپ دوم ۱۳۹۰، انتشارات جنگل، ص ۲۶۵.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۳- میثم موسایی، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، تهران: مؤسسه تحقیقات پول و بانکی، ۱۳۷۶، ص ۴.
- ۴- ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی، همان، الجامع لاحکام القرآن: تفسیر القرطبی، ص ۳۴۸.
- ۵- سید محمد کاظم یزدی (۱۴۱۷)، العروة الوثقی، ج ۲ (ملحقات)، ص ۴، مساله ۳.
- ۶- شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، تحقیق علی آخوندی، ج ۲۳، ص ۳۳۴.
- ۷- محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۲، کتاب القرض، ص ۸۳.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فرهنگ عناصر شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
- ۹- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان، چاپ هشتم، زمستان ۱۳۸۴.
- ۱۰- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۷.
- ۱۱- علیآبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۷۳.
- ۱۲- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، انتشارات میزان، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۰.
- ۱۳- یوسفی، احمد علی، ربا و تورم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، بی جا، ۱۳۸۱.
- ۱۴- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم، انتشارات ژوبین، با همکاری مجد، چاپ پنجم، تهران ۱۳۸۵.
- ۱۵- کتاب ربا پیشینه تاریخی ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا- بوستان کتاب، قم، بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۸۱.
- ۱۶- ابوبکر هیثمی، بُعْیَةُ الرَّائِدِ ف تحقیق مجمع الزوائد، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۴، ص ۲۱۱، ح ۶۵۷۷.